

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: حمید محوی

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۹

سخن روز: جنگ فرسایشی، اهداف و پی آمدهای آن

به دنبال مورد حمله قرار گرفتن تأسیسات نفتی عربستان و متوقف شدن نیمی از صادرات نفت این کشور، جنگ‌های منطقه خاورمیانه وارد فاز جدیدی شده است. این جنگ‌ها که بیش از ۷۰ سال است گریبان مردم این منطقه را گرفته و طولانی‌ترین دوره جنگی تاریخ است که از فردای پایان جنگ دوم جهانی آغاز شد و تا به امروز ادامه دارد؛ از جنگ‌های منطقه‌ای اعراب و اسرائیل گرفته تا جنگ‌های ایران و عراق، از جنگ‌های قبلی و فعلی یمن تا لشکرکشی‌های امریکا به افغانستان و عراق، جنگ‌های سوریه و اکنون بار دیگر جنگ‌های خلیج فارس؛ تا به کجا برسد؟ ...!

آنچه در این میان ثابت است تداوم حکومت‌های دیکتاتوری و سرکوبگر و وابسته به قدرت‌های جهانی است که در تمامی این فرازو نشیب‌ها گریبان مردم منطقه را گرفته است و نیروهای آزادیخواه و مستقل را همواره تحت فشار و شکنجه و اعدام و حبس قرار می‌دهد.

در تحولات اخیر جنگ در منطقه تغییراتی در پارامترهای قدیمی به وجود آمده است که جنگ‌های قدیمی را وسعت بیشتری می‌دهد. جنگ‌های منطقه‌ای اکنون به تأسیسات نفتی کشیده است که در صورت ادامه، می‌تواند جریان نفت را در خاورمیانه متوقف کند، جایی که ۷۰ درصد انرژی جهان را تأمین می‌کند. در این جنگ‌ها قدرت‌های نظامی جهان به طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر شده‌اند. برگزاری مانورهای مشترک بین ایران و روسیه و اخیراً چین از یک طرف و ایجاد ائتلاف بین‌المللی حفاظت از خلیج فارس به رهبری امریکا و مشارکت انگلیس و فرانسه به نوعی صف‌بندی بین‌المللی را در پس این جنگ‌ها قرار داده است.

از سوی دیگر، این جنگ طرفین را به جنگی فرسایشی می‌کشاند، زیرا جنگی تمام عیار، خسارات فراوانی را برای طرفین در بر خواهد داشت و شرایط فعلی جهانی چنین جنگ‌هایی را ایجاب نمی‌کند و دلیل آن را می‌توان در حاکم بودن نظامی سودمحور در هر دو طرف به ظاهر متخاصم جست و جو کرد. دو طرفی که در استثمار و سرکوب کارگران و زحمتکشان با هر درجه‌ای از یک دیگر پشتیبانی می‌کنند. گرچه این امکان وجود دارد که گسترش بحران‌های نظام سرمایه داری در آینده‌ای نچندان دور، این قدرت‌ها را به جنگی تمام عیار بکشاند اما شرایط موجود نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ نظامی خواهان جنگی تمام عیار در شرایط فعلی نیستند و بیشتر خواهان امتیازگیری از طرف مقابل‌اند. اعمالی نظیر سرنگونی هواپیمای بدون سرنشین امریکائی در خلیج فارس و یا گروگان‌گیری نفتکش‌ها و این

آخری، نابودی نیمی از تأسیسات استخراج نفت عربستان، در شرایطی دیگر هر کدام می‌توانست شعله‌های جنگ را فروزان کند، اما به اغماض گذراندن آنها به خصوص از جانب امریکا و متحدان، نشانه آن است که جنگ فرسایشی ترجیح دارد و هیچ یک از طرفین خواهان حذف دیگری نیست؛ چنانچه بارها نیز از جانب امریکا اعلام شده است که در پی تغییر حکومت در ایران نیستند بلکه خواهان تغییر رفتار اند.

در چنین شرایطی است که بیشترین فشارها بر نیروهای تحول‌خواه در منطقه و ایران وارد می‌شود. زیرا از یک طرف شرایط "نه جنگ و نه صلح" دست حکومت‌ها را در بسته نگهداشتن هر چه بیشتر فضای اجتماعی باز می‌گذارد و از طرف دیگر زمینه را برای غارت هر چه بیشتر اموال مردم و غنایم منطقه برای سرمایه داران و وابستگان به قدرت و هم چنین گسترش نیروهای امنیتی و پولیسی فراهم می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی که از جانب امریکا و متحدان بر ایران وارد می‌شود، به گونه‌ای روشن یک عملیات ایدائی برای حکومت‌ها و فشار بیشتر برای تسلیم مردم است که در هرم قدرت امری طبیعی است زیرا که در این تحریم‌ها بیشترین محرومیت‌ها بر سلب قدرت شدگانی وارد می‌شود که در فضای امنیتی و نظامی حمایتی را ندارند و برای صاحبان قدرت تنها می‌تواند موانعی زودگذر را ایجاد کند.

در تمامی موارد گذشته تحریم اقتصادی، به خصوص در ایران بیشترین فشار بر مردم تحت ستم و مخالفان قدرت وارد شده است (حتی در عراق این تحریم‌ها تحت عنوان نفت در برابر غذا بر طبق آمار رسمی منجر به مرگ ۵۰۰ هزار کودک از اقشار پائین شد) و حکومت‌ها و وابستگان به قدرت از این تحریم‌ها نچندان آسیبی ندیده، بلکه توانسته‌اند تحت شرایط خاص، نیروهای پولیسی و امنیتی خود را گسترش دهند. امروزه با تغییرات در شرایط اجتماعی و به خصوص منطقه‌ای، وضعیت به گونه‌ای است که در شرایط عادی مردم هر کشور در منطقه بهتر می‌توانند تکلیف خود را با حکومت‌های خودکامه روشن کنند و این امری نیست که بر حکومت‌هایی مانند امریکا و متحدان پوشیده باشد. و از همین جهت است که حکومت‌های منطقه‌ای بیش از فرامنطقه‌ای خواهان شرایط جنگ فرسایشی هستند. حتی حکومت‌هایی مانند روسیه و چین، این سرمایه داران نوحاسته و وحشی‌تر از سرمایه‌داران قدیمی از این جنگ‌های فرسایشی منتفع می‌شوند و به همین دلیل آشکار و ضمنی از آن حمایت می‌کنند.

در این اوضاع و احوال بر نیروهای آزادی‌خواه و کارگران و زحمتکشان که بیشترین خسارت‌ها را از این وضعیت متحمل می‌شوند فرض است که هر چه بیشتر صفوف خود را متحد کرده و از اختلافات جزئی بپرهیزند و هر ندای آزادی‌خواهی و اتحاد را تقویت کرده و نه تنها همبستگی محلی و منطقه‌ای بلکه همبستگی جهانی خود را با نیروهای آزادی‌خواه و صلح‌طلب هر روزه افزایش دهند تا بتوانند از این سراب وحشت با صفوفی منسجم‌تر عبور کنند و در شرایطی دیگر، بهتر بتوانند به وظایف خود عمل کنند.

کانون مدافعان حقوق کارگر

مهر [میزان] ۱۳۹۸